

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی ام، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۳۶، تابستان ۱۳۹۹ / صفحات ۱۱۶-۸۷
مقاله علمی - پژوهشی

تحلیل سلسله مراتبی عوامل شکست جنبش نفس زکیه^۱

هدی شعبان پور^۲
محمدرضا بارانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲

چکیده

عباسیان پس از برآمدن، با چالش واگرایی علویان، شیعیان و مشروعیت اجتماعی روبه‌رو شدند و جنبش نفس زکیه در برابر خلافت عباسی مهم‌ترین آن بود که بازتاب سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای در بین مردم داشت؛ هرچند که نهادینه نشد و شکست خورد. ارزیابی میزان تأثیرگذاری عوامل سیاسی و اجتماعی در این شکست بسیار ارزشمند است.

در این نوشتار، برای ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل سیاسی و اجتماعی و مقایسه داده‌های کتابخانه‌ای، شاخص‌های مورد توجه عوامل سیاسی و اجتماعی شناسایی شدند و با بهره‌گیری از روش کمی «*ahp*» در چهار گام به تحلیل سلسله‌مراتبی جنبش نفس زکیه پرداخته شد. تا میزان تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در شکست جنبش نفس زکیه مشخص شود. دستاورد پژوهش این است که گرچه این جنبش در آغاز به دلایل سیاسی و اجتماعی پدید آمد و جامعه آماده پذیرش رهبری کارزمایی محمد شد، اما چالش‌های اجتماعی فراروی محمد، از یک سو او را از جامعه دور کرد و از سوی دیگر تدبیرهای خلیفه زمینه‌ساز از دست رفتن جایگاه کارزمایی او در جامعه شد. بنابراین میزان تأثیر عوامل اجتماعی در شکست جنبش نفس زکیه بر عوامل سیاسی پیشی گرفت.

واژه‌های کلیدی: نفس زکیه، عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، تحلیل سلسله‌مراتبی، روش کمی *ahp*

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.27924.2101

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء hodashaabanpour@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول) m.barani@alzahra.ac.ir

مقدمه

پس از برآمدن عباسیان، نیرنگ آنان در بهره‌گیری از شعار «الرضا من آل محمد» آشکار شد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از علویان از برپا شدن حکومتی مبتنی بر دادگری اسلامی ناامید و مخالف بنوع‌عباس شدند. شیعیان که خود را شایسته اقتدار کارزمایی پیامبر(ص) می‌دانستند، در دو گروه فعالیت می‌کردند. گروه اول مبارزه را در ساختاری فرهنگی - عقیدتی پیش می‌برد تا پایه‌های اندیشه‌ای فرمانروایی سیاسی عباسیان را فرو ریزد و گروه دوم با مبارزه آشکار و جنبش‌های پی‌درپی، نبردی خونین را در برابر عباسیان پیگیری می‌کرد. نماینده دسته اول شیعیانی به رهبری امامان(ع) و نماینده دسته دوم دیگر گروه‌های علویان به‌ویژه حسینیان بودند. گفتنی است مخالفان اموی جنبش خود را با رهبری یکی از افراد حسینی آغاز کردند، اما این‌گونه جنبش‌ها در ادامه بیشتر توسط حسنی‌ها ادامه یافت. نفس زکیه نخستین فرد از خاندان علی(ع) بود که با روی کار آمدن عباسیان جنبشی بر ضد خلافت به راه انداخت. این جنبش با تبلیغات افرادی چون عبدالله بن حسن دربردارنده انگاره‌های قوی منجی‌گرایی بود (الهی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، اما شکست خورد و راه را برای دیگر جنبش‌های شیعیان به‌ویژه حسینیان باز گذاشت. شکست جنبش نفس زکیه به عنوان شاخص‌ترین جریان آن گروه شیعه که به مبارزه مثبت علیه عباسیان پرداخت، اهمیت فراوانی دارد. با وجود این، بسیاری از پژوهشگران بدون تحلیل و اولویت‌بندی دقیق متغیرهای مستقل، برچسب‌های سیاسی، اجتماعی و یا کلامی به عوامل مؤثر در شکست جنبش نفس زکیه زده‌اند که می‌توان به مقالات «واکاوی قیام محمدبن عبدالله» (آئینه‌وند، بیاتی و استهری، ۱۳۹۳) و مقاله «مهدی‌باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه (۱۰۰-۱۴۵)» (برادران و گل‌پور، ۱۳۹۶) اشاره کرد.

کتاب جنبش حسینیان، ماهیت فکری و تکاپوی سیاسی نوشته الهی‌زاده (۱۳۸۵) مهم‌ترین پیشینه در موضوع مورد نظر به شمار می‌رود. نویسنده پس از بررسی تفکر حسینیان، به لحاظ سیاسی - اجتماعی به تشریح جنبش‌های آنان پرداخته و در فصل سوم نیز به ماهیت حامیان جنبش حسنی پرداخته که دارای اهمیت است. از آنجا که یکی از گام‌های اولیه در انجام هر پژوهش بعد از تعیین دغدغه اصلی، ارزیابی و اولویت‌بندی دقیق متغیرهای مستقل مؤثر بر آن است، در هیچ یک از مقالات نام‌برده این تفکیک و اولویت‌بندی در مورد عوامل شکست جنبش صورت نگرفته است؛ تا با استفاده از آن ماهیت شکست این جنبش به‌گونه‌ای علمی بررسی شود. پژوهش‌های انجام شده در این مورد با نگاهی از پیش تعیین شده، شکست جنبش نفس زکیه را به عوامل سیاسی پیوند داده‌اند؛ حال آنکه با بررسی عوامل شکست این جنبش و تحلیل محتوای داده‌ها، میزان اجتماعی یا سیاسی بودن عوامل شکست قابل

اندازه‌گیری است. روش ahp این توانایی را به پژوهشگر می‌دهد تا داده‌های یک پدیده را در ابعاد گوناگون بسنجد و تحلیل کند. در پژوهش حاضر سعی شده است بدون جهت‌گیری و پیش‌فرض، مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکست جنبش نفس زکیه در دو بُعد کلی سیاسی و اجتماعی ارزیابی و تحلیل شود؛ به همین دلیل دارای فرضیه نیست.

۱. عوامل تأثیرگذار در جنبش نفس زکیه

افول قدرت امویان تمایلات قدرت‌طلبانه گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی را برانگیخت که مهم‌ترین آنان علویان، عباسیان، معتزله، خوارج و موالی ایرانی بودند. در میان این گروه‌ها، عباسیان توانستند با جذب بیشتر مردم، جبهه متحدی از مخالفان اموی تشکیل دهند و با مقدس نشان دادن هدف و تحریک احساسات دینی و قومی گروه‌های درگیر، به بهانه خون‌خواهی از قاتلان امام حسین(ع) و احقاق حق اهل بیت پیامبر(ص)، انقلاب خویش را پیش برند و خلافت را از آن خود کنند. در این بین، برخی گروه‌های اجتماعی مخالف اموی مانند شیعیان که حکومت اموی را خوش نداشتند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۵۱) و با هدف جان‌شنینی خاندان رسالت و با شعار «الرضا من آل محمد» با عباسیان همراه شدند، خود را فریب‌خورده دانستند. این مسئله باعث رویارویی دو عامل مهم اجتماعی و سیاسی در جامعه شد و جو ناآرامی را به وجود آورد. آتش این ناآرامی در زمان سفاح با سیاست‌های محافظه‌کارانه او تا اندازه‌ای پنهان شد، اما در دوره منصور و با سیاست‌های سرکوب‌گرانه او در برابر مخالفان به‌ویژه حسنیان، این آتش زبانه کشید. شرایط بی‌ثباتی جامعه مانند گسترش اعتراض‌های مردمی و ابهام در هنجارهای فرهنگی و وجود رهبران سیاسی از گروه‌های سیاسی مخالف، بزرگ‌ترین فرصت را برای تغییر در ساختار سیاسی و اجتماعی به وجود آورد؛ به همین دلیل نفس زکیه مورد توجه گروهی از مردم و به‌ویژه شیعیان قرار گرفت؛ زیرا او نزد آنها همان برگزیده خاندان رسالت، نجات‌دهنده و مصداق واقعی شعار الرضا من آل محمد بود.

این مسئله نگرانی زیادی برای خاندان عباسی به وجود آورد. علت اصلی این نگرانی ترس از مشروعیت اقتدار علویان شیعی بود؛ زیرا علویان مشروعیت خود را به دلیل برخورداری از دو ابزار وراثت و وصایت محرز می‌دانستند و به گفته وبر شاخص‌های ویژه رهبر کاریزمایی را (وبر، ۱۳۷۴: ۳۷۹) داشتند؛ نظیر ویژگی شخصیتی؛ پذیرش مردم؛ ماهیت نوآورانه؛ احساس داشتن مأموریت (یا رسالت) (وبر، همان، ۳۹۸). به گفته ابن طقطقی، محمد در شرف، دیانت، دانش، دلیری، فصاحت، مهتری و کرامت، از سروران و بزرگان بنو هاشم بود (ابن طقطقی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۱). او را جامع فضل و فضیلت معرفی کرده‌اند. محمد از شدت زهد، عبادت و

اهتمام به تزکیه نفس، به نفس زکیه شهرت یافت. او نخستین کس از خاندان علی(ع) بود که پس از قدرت‌گیری عباسیان جنبش کرد و درصدد به دست آوردن خلافت برآمد. شباهت نام و کنیه او^۱ با نام پیامبر(ص)، نسب او که از جانب پدر حسنی و از طرف مادر حسینی بود (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۶۳) و ویژگی‌های شخصیتی دیگر موجب شد تا او از سوی برخی گروه‌ها به عنوان مهدی موعود معرفی شود. وجود این شاخص‌های کارزمایی در شخصیت نفس زکیه، باعث شد تا افراد زیادی دور او گرد آیند.

با کاهش قدرت امویان احزاب و گروه‌های سیاسی و مذهبی مختلف برای به دست گرفتن قدرت به رقابت با یکدیگر پرداختند. عبدالله بن حسن نیز از آشفتگی قدرت امویان پس از ولیدبن یزید استفاده کرد و برای فرزندش محمد تبلیغ کرد. او در جلسه‌ای که در ابواء به سال ۱۲۶ق. تشکیل داد، از بسیاری از بنو هاشم و ابوجعفر منصور برای محمد بیعت گرفت (طبری، ۱۴۰۸: ۲۲۲/۴؛ اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۸۵). برخی حضور برادران بزرگ‌تر او، ابراهیم امام و ابوالعباس سفاح را هم در این اجلاس خاطرنشان کرده‌اند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۲۲).

عبدالله در تشکیل شورای ابواء، با شتاب‌زدگی تلاش کرد با جذب مهم‌ترین رقیبان فرزندش یعنی بنو هاشم، از یک سو خطر به دست‌گیری قدرت از سوی آنان را از بین ببرد و از سوی حمایت آنان و پیروانشان را از آن خود کند. بنوالحسن در آغاز توانستند با بازتولید اندیشه مهدویت با رویکرد اجتماعی و عدالت‌خواهانه، از بسیاری از بنو هاشم و افرادی مانند منصور و برادرانش ابراهیم امام و ابوالعباس سفاح بیعت بگیرند. طرحی که در قالب برقراری عدالت و از بین بردن ستم مطرح شد (طبری، ۱۴۰۸: ۵۸۰/۷) بسیار کلی بود و به همین دلیل در آغاز توانستند گروه‌های زیادی از بصره، کوفه، جزیره، موصل، واسط (بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۱۳/۳) را جلب کنند. همه گروه‌های آسیب‌دیده با او همراه شدند. عمده‌ترین گروه‌هایی که به حمایت از قیام نفس زکیه پرداختند، زیدیه، مرجئه، غلات و معتزله بودند.

۱. چستی روش AHP و کاربرد آن در تحلیل جنبش‌ها

واژه AHP مخفف عبارت «Analytical Hierarchy process» به معنی «فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی» است. این مدل با شناسایی و اولویت‌بندی عناصر تصمیم‌گیری شروع می‌شود و شامل اهداف، معیارها و گزینه‌های احتمالی، فرایند شناسایی عناصر و ارتباط بین آنها است که در نهایت به ایجاد یک ساختار سلسله‌مراتبی منجر می‌شود و تلفیقی از معیارهای کمی و کیفی مدنظر است (قدسی‌پور، ۱۳۹۱: ۴۰). این روش در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد،

۱. برخی برای نفس زکیه کنیه ابوالقاسم را نیز بیان کرده‌اند (ابن‌عنه، ۱۴۱۷ق: ۹۴-۹۵).

انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌کند، کاربرد دارد. گام اول در هر پژوهشی اولویت‌بندی متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیر وابسته است. در پژوهش حاضر نیز به منظور اولویت‌بندی متغیرهای مستقل سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار در شکست جنبش نفس زکیه، از روش Ahp استفاده شده است تا با ایجاد سلسله‌مراتب مناسب و پردازش گام‌به‌گام هر شاخص، تأثیر آن در شکست این جنبش از لحاظ سیاسی و اجتماعی ارزیابی شود و سرانجام با ساخت ماتریس‌های تطبیقی در سطوح مختلف سلسله‌مراتب، مقادیر ویژه آن محاسبه شود و در بردار ضرایب وزنی نهایی، اهمیت نسبی هر گزینه و میزان تأثیرات سیاسی و اجتماعی با توجه به هدف رأس سلسله‌مراتب -که تعیین سیاسی و اجتماعی بودن شکست جنبش است- اولویت‌بندی شود. به منظور جلوگیری از گسست مطالب، در هر گام ارتباط این روش با پژوهش حاضر توضیح داده خواهد شد.

۱-۱. بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی شکست جنبش نفس زکیه با روش AHP

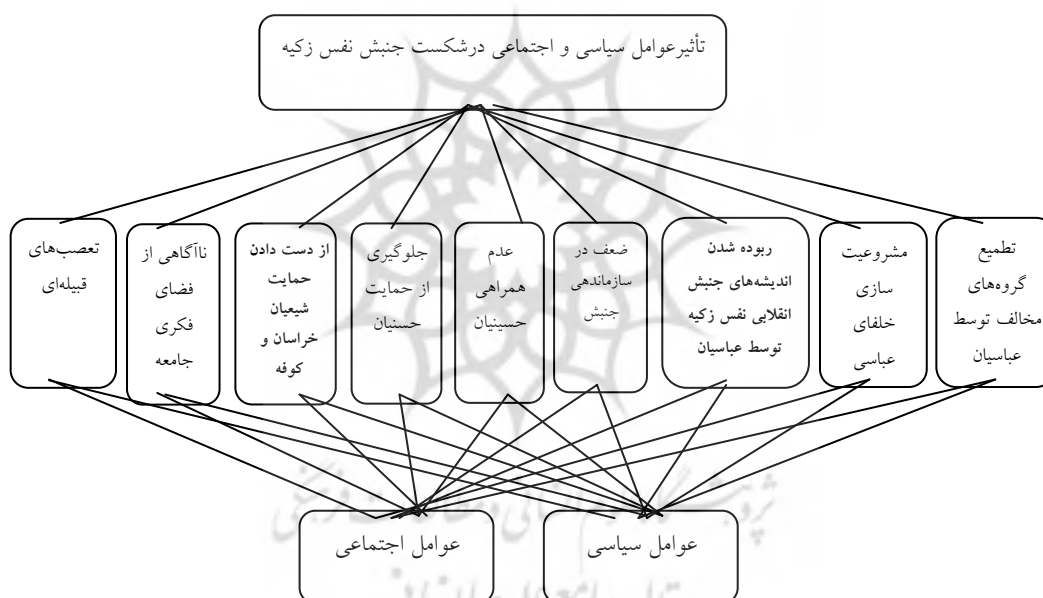
نهضت نفس زکیه پیش از ظهور بنی‌العباس در بیان ایدئولوژی‌های خود به نسبت دیگر جنبش‌های گذشته علویان موفق بود، اما با قدرت‌گیری عباسیان و استفاده آنها از سیاست‌های فریب‌کارانه و همچنین عدم آگاهی نفس زکیه از فضای عمومی جامعه، بیشتر همراهان خود را از دست داد و زمینه‌های شکست جنبش فراهم شد. در اینجا با روش AHP این عوامل تحلیل و بررسی شده تا میزان تأثیرات سیاسی و اجتماعی آنها در شکست جنبش نفس زکیه مشخص شود.

گام اول: ساخت سلسله‌مراتبی تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی در جنبش نفس زکیه

در گام اول براساس روش AHP باید برای رسیدن به هدف، سلسله‌مراتبی را از هدف، معیارها و گزینه‌ها طراحی کرد؛ به گونه‌ای که سطح یک را هدف، سطح دو را معیارها و سطح سه را گزینه‌ها تشکیل دهند. در پژوهش حاضر طبق نمودار ۱، هدف تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی در شکست جنبش نفس زکیه است. عوامل سیاسی، همه رفتارهای سیاسی حاکمیت به منظور شکست جنبش نفس زکیه است و عوامل اجتماعی، همه رفتارهای گروه‌های اجتماعی -چه کنش‌هایی که خود به‌طور مستقیم از طریق مردم و گروه‌های اجتماعی در زمینه شکست جنبش رخ داده و چه واکنش‌های اجتماعی که در پاسخ به رفتارهای سیاسی حاکمیت انجام گرفته است- را در برمی‌گیرد؛ زیرا هم کنش سیاسی و هم واکنش اجتماعی عامل شکست جنبش نفس زکیه بوده است.

معیارها: ۱. تطمیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان؛ ۲. مشروعیت‌سازی خلفای عباسی؛ ۳. رבוده شدن ایدئولوژی‌های جنبش انقلابی نفس زکیه توسط عباسیان؛ ۴. ضعف در سازماندهی جنبش؛ ۵. همراهی نکردن حسینیان؛ ۶. جلوگیری از پشتیبانی حسینیان؛ ۷. از دست دادن پشتیبانی شیعیان خراسان و کوفه؛ ۸. ناآگاهی از فضای فکری جامعه؛ ۹. تعصب‌های قبیله‌ای. این معیارها با ارزیابی مهم‌ترین فعالیت‌ها و اقداماتی است که دو طرف درگیر یعنی حاکمیت و نفس زکیه و گروه‌های مختلف آگاهانه یا ناآگاهانه در جنبش استفاده کردند و به شکست منجر شدند. «گزینه‌ها» عوامل سیاسی و اجتماعی است.

نمودار ۱: ساخت سلسله‌مراتبی تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی در شکست جنبش نفس زکیه



گام دوم: مقایسه زوجی و تعیین وزن معیارها

در گام دوم پس از تعیین سلسله مراتب معیارها، با مقایسه دو به دو آنها براساس هدف، به آنها امتیازاتی از ۱ تا ۹ براساس جدول زیر داده می‌شود.

اعداد بین این اعداد ارزش‌های بینابین را نشان می‌دهند.	کاملاً بهتر	خیلی بهتر	بهتر	کمی بهتر	ترجیح یکسان
۲، ۴، ۶، ۸	۹	۷	۵	۳	۱

به دلیل اینکه با داده‌هایی در گذشته مواجه‌ایم، امتیازدهی معیارها براساس میزان داده‌های گردآوری شده صورت گرفته است. باید یادآور شد که داده‌های تاریخی متفاوت از تعداد گزارش‌های تاریخی است و ممکن است یک گزاره تاریخی شامل دو یا سه داده در زمینه عوامل سیاسی و اجتماعی باشد.

پس از امتیازدهی به هر معیار براساس داده‌های به دست آمده از شواهد تاریخی، از امتیازات هر سطر میانگین هندسی گرفته می‌شود و چون وزن‌های به دست آمده نرمال (منظور از وزن نرمال، این است که جمع وزن‌ها برابر ۱ باشد) نیستند، بنابراین میانگین هندسی به دست آمده در هر سطر بر مجموع عناصر ستون میانگین هندسی تقسیم می‌شود. ستون جدید را که در بردارنده وزن معیار شده هر معیار است، بردار ویژه می‌گویند. وزن نهایی هر ماتریس همان ستون بردار ویژه است (قدسی پور، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۸).

بر این اساس، ابتدا معیارهای شناسایی شده در جنبش نفس زکیه و شواهد تاریخی آنها آورده شده و سپس در جدول شماره ۱- ستون بردار ویژه- بعد از مقایسه زوجی هر یک از معیارها وزن نهایی آنها آورده شده است.

۱-۲. تطبیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان

در آغاز پیروزی عباسیان، گروه‌های مخالف امویان به‌ویژه علویان که سال‌ها از ستم بنو امیه در رنج بودند (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۶۲)، از هر سو به سوی کوفه و حیره سرازیر شدند تا هم در جشن پیروزی عباسیان شرکت کنند و هم از بهره خود در حکومت جدید آگاهی یابند (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۲/۳). منابع از اعطای جوایز به‌ویژه بنی‌الحسن خبر دادند. گفته شده است سفاح در همه دوران خود حسنین را گرامی می‌داشت و به آنان صله و جایزه می‌داد؛ چنان‌که چشمه مروان نزدیک مدینه را به حسن بن حسن به اقطاع داد. به عبدالله نیز اقطاعی داد که درآمد حاصل از آن به صد هزار درهم می‌رسید (بلاذری، ۱۹۵۹: ۳/ ۸۰-۸۱). سفاح فدک را نیز به

عبدالله داد (ابن‌ابی‌الحدید ۱۳۸۶ق، ۲۱۶/۱۶). (۱-۱)

سیاست سازشکارانه اولین رهبران بنوالعباس -ابراهیم و سفاح- به کام برخی گروه‌های مخالف خوش آمد و گروهی از علویان چون حسن بن زید بن حسن (ع) و پسرش قاسم بن حسن (ابن‌عنه، ۱۴۱۷ق: ۶۵-۶۶) و جعفر بن حسن^۱ برادر عبدالله محض (۱-۱) را با بنوالعباس همراه کرد (۱-۱). عبدالله بن حسن که گمان کرده بود عباسیان برای دستیابی فرزندش محمد نفس زکیه به قدرت به میدان آمده‌اند، به دریافت جایزه و انعام راضی نشد.

به گفته بلاذری «عبدالله بن حسن ... همراه دیگر علویان در حیره نزد سفاح رفت. سفاح او را گرامی داشت مبلغ یک میلیون درهم به او بخشید، ولی هنگامی که به مدینه برگشت و خویشاوندانش به دیدنش آمده و سفاح را به خاطر اعطای این مبلغ دعا کردند، گفت ای قوم هرگز نادان‌تر از شما ندیده‌ام، مردی را سپاس می‌گویند که اندکی از حق ما را داده و بیشتر آن را صاحب شده است» (۱-۱) (بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۶۶/۳). سخن او به گوش سفاح رسید و بسیار تعجب کرد؛ هرچند منصور خشمگینانه پیشنهاد داد که «آهن جز با آهن راست نشود» (همو، همان، همان‌جا)، ولی سفاح متعرض عبدالله نشد (یعقوبی ۱۴۱۳: ۳۳۷/۲؛ دینوری، ۱۴۱۰ق: ۱۸۸/۲). بنابراین سیاست تطمیع و سازش خلفای عباسی آنها را از خطر رقبای سرشناس خود حفظ کرد و بعدها بسیاری از حامیان نفس زکیه را از گرد او پراکند؛ چنان‌که نفس زکیه در مواجهه با سپاه عیسی بن موسی که از خراسانیان بودند گفت «ای مردم فارس... شما دینار و درهم را بر فرزند رسول خدا ترجیح دادید...» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۹۵۵/۲). (۱-۲)

براساس جدول شماره ۲، معیار تطمیع از یک طرف به علت کنش سیاسی حاکم در پرداخت وجه در دو داده تاریخی (۱-۱) و (۱-۲) در بین عوامل سیاسی دارای امتیاز ۲ و وزن (۰,۵) است و از طرف دیگر، به دلیل واکنش اجتماعی مثبت گروه‌های مختلف در پذیرش وجه در این دو داده، باعث شده است تا در بین عوامل اجتماعی نیز امتیاز ۲ و وزن نهایی (۰,۵) را به دست آورد. در مجموع، با توجه به جدول شماره ۱ این معیار نسبت به دیگر معیارها از امتیاز ۴ برخوردار است و وزن نهایی این معیار نسبت به دیگر معیارها ۰,۸۶۵۰۶۷ در اولویت چهارم قرار دارد.

۱. در مورد جعفر بن حسن ابهاماتی در منابع وجود دارد. به گفته بلاذری او دختر خود ام‌الحسن را به همسری سلیمان بن علی عباسی درآورد. بلاذری مرگ او را در مدینه عنوان کرده است (بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۴۰/۳). اصفهانی او را در شمار زندانیان هاشمیه دانسته که آزاد شده است (اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۸۹). چنین می‌نماید که خویشاوندی و همسویی او با بنوالعباس و رفتار واگرایانه او نسبت به اقدامات عبدالله و پسرش، به آزادی او از زندان منجر شده است.

۲-۲. مشروعیت‌سازی خلفای عباسی

مهم‌ترین مشکل عباسیان کسب مشروعیت بود و در راه کسب این مهم با رقیبی قدرتمند به لحاظ برخورداری از کاریزما چون سادات بنوالحسن و بنوالحسین روبه‌رو بودند، اما منصور با توجه به دیدگاه‌های مورد پسند مردم که هنوز خوی جاهلی در آنها زنده بود، توانست مشروعیت لازم را در مقابل حسنیان به دست آورد و پیروان او را از گرد نفس زکیه پراکنده کند. عباسیان برای توجیه اقتدارشان و مشروعیت‌سازی بر چند استدلال متکی بودند که با تحلیل مکاتبات صورت گرفته میان نفس زکیه و منصور می‌توان به آن دست یافت:

۱. وصیت ابوهاشم به محمدبن علی بن عبدالله که در سال‌های آخر مبارزه (طبری، ۱۴۰۸: ۲۷۶/۴-۲۸۸) می‌توانست تا حدودی راه را برای عباسیان باز کند، اما همین تمسک بنوعباس به یکی از نوادگان علی(ع) که مادرش فاطمه(س) نبود، خود مشخص‌کننده وقوف آنان نسبت به حساسیت موضوع است. عباسیان با همراه کردن برخی علویان یعنی کیسانیه با خود توانستند دست‌کم زمینه‌های تضعیف رقیب را فراهم آورند (ولوی، ۱۳۸۰: ۱۶۸). (۲-۱)
۲. تأکید عباسیان بر کلماتی چون اهل بیت و وارد کردن خود زیر چتر این کلمه نیز اقدامی بود که ابوالعباس سفاح در اولین نطق خود انجام داد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۵۶/۳؛ طبری، ۱۴۰۸: ۴۳۱/۷). (۲-۲)

۳. بزرگ جلوه دادن شأن و موقعیت عباس بن عبدالمطلب در جاهلیت؛ چنان‌که منصور در نامه خود به محمدبن عبدالله بر این موضوع که منصب سقایت برعهده عباس بود، تأکید کرده بود (طبری، ۱۴۰۸: ۵۷۱/۷). (۲-۳)

۴. کوشش برای نفی مفاخراتی که علویان فاطمی در رابطه با جدۀ خود فاطمه(س) مطرح می‌کردند. برای این منظور، بازسازی دیدگاه‌های عرب جاهلی درباره زن می‌توانست بسیار به آنها کمک کند (ولوی ۱۳۸۰: ۱۶۸)؛ به همین دلیل منصور انتساب به پیامبر(ص) از فاطمه(س) را به استناد این آیه قرآن که محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، بلکه او فرستاده خدا و خاتم پیامبران است، کم‌اهمیت جلوه داد (طبری، ۱۴۰۸: ۵۷۰/۷؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۰۱/۳). (۲-۴)

۵. منصور در همین نامه بر این نکته تأکید کرد که در زمان رحلت پیامبر(ص) عباس بزرگ بنوعبدالمطلب بود و از هر کس دیگری برای تصاحب میراث او برحق‌تر بود. او فاطمه را هم وارث میراث پیامبر(ص) می‌دانست، اما چون امامت کار زنان نیست؛ بنابراین میراث‌بر امامت عباس است و براساس سنت عرب عمو از پسرعمو نسبت به تصرف میراث، برتر است (طبری، ۱۴۰۸: ۵۷۱/۷؛ ابن جوزی، ۱۳۶۸: ۶۵/۸-۶۶). (۲-۵)

۶. چرخش سریع خلفای عباسی از تکیه بر دیدگاه‌های شیعی به نقطه‌نظرهای علمای اهل سنت و جماعت (طبری، ۱۴۰۸: ۵۷۰/۷). (۲-۶) اگر آنان بر دیدگاه‌های اصیل شیعه که خلافت و وصایت را متعلق به علی(ع) می‌داند، پایدار می‌ماندند، ناگزیر به پذیرش حقانیت رقیبان خود از سادات بنوالحسن و بنوالحسین بودند (ولوی، ۱۳۸۰: ۱۶۸)؛ به همین دلیل منصور با به کارگیری دیدگاه‌های مورد قبول جامعه توانست مشروعیت لازم را در مقابل بنوالحسن به دست آورد.

در این معیار از ۶ مورد کنش سیاسی، ۲ مورد با سنت‌های اجتماعی اکثریت جامعه رابطه تنگاتنگی دارد؛ یکی سنت میراث‌بری اعمام و دیگری توجه به دیدگاه‌های مذهبی اکثریت جامعه یعنی علمای اهل سنت و جماعت است. با توجه به جدول شماره ۳ این معیار در بین عوامل سیاسی به دلیل وجود گزاره‌های متنی بر اقدامات سیاسی حاکمیت به منظور مشروعیت سازی در موارد (۲-۱) تا (۲-۶) با امتیاز ۶ و وزن نهایی ۰,۶۳۳۹۷۵ است و در بین عوامل اجتماعی به دلیل وجود دو گزاره (۲-۵) و (۲-۶) که بر سنت اجتماعی عرب و نظر یک گروه اجتماعی چون اهل سنت تکیه می‌کند، با امتیاز ۲ و وزن نهایی ۰,۳۶۶۰۲۵ از اهمیت برخوردار است. در مجموع، این معیار براساس جدول شماره ۱ با امتیاز ۸ و وزن نهایی ۰,۱۶۰۱۸۸۷ نسبت به دیگر معیارها در اولویت دوم قرار دارد.

۳-۲. رپوده شدن ایدئولوژی‌های جنبش انقلابی نفس زکیه توسط عباسیان

با توجه به برخی ویژگی‌های کاریزمایی نفس زکیه و بیعت فراگیر مردم با او، عبدالله بن حسن نیز به امارت فرزندش مطمئن شد و همین اطمینان او را از نقشه‌های دیگر رقیب دور کرد (مجهول المؤلف، ۱۳۹۱: ۳۸۵؛ ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۶۳) و خود را در میدان بلامنازع می‌دید. البته بیعت ابواء نیز این توهّم را جدی‌تر کرده بود. همین ساده‌انگاری موجب شد که حتی با وجود هشدارهای امام صادق(ع) زمینه‌های شکست جنبش نفس زکیه فراهم شود؛ به گونه‌ای که حضور عباسیان در ابواء تنها برای بیعت با محمد نفس زکیه نبوده، بلکه برای آگاهی از ایدئولوژی‌ها و ربودن آنها صورت گرفته بود. از جمله این ایدئولوژی اصلی جنبش که آشکارا در جلسات مختلف توسط شخص محمد و پدرش عبدالله مطرح شده بود؛ ۱. منجی‌گرایی و تفاخر به آن؛ ۲. اختصاص حق خلافت به فرزندان علی(ع) و فاطمه(س). این موارد توسط بنوالعباس مورد استفاده قرار گرفت. در توضیح ایدئولوژی‌های اصلی جنبش یعنی منجی‌گرایی و تفاخر به آن، منصور با نامیدن فرزند خود به نام محمد در سال ۱۲۶ق. که دقیقاً همزمان با نشست ابواء بود، سعی در ربودن این اندیشه کرد (اصفهانی [بی‌تا]، ۳۰۰-۳۰۱). (۳-۱)

بنوالحسن با معرفی محمدبن عبدالله به عنوان مصداق بارز مهدی در انجمن ابواء که تا آن زمان در ابهام بود، خطر برانگیخته شدن تعصبات قبیله‌ای و رقابت‌های سیاسی و مذهبی را به خود معطوف کردند؛ چنان‌که ابراهیم امام در جلسه دوم ابواء که در سال ۱۲۹ق. برگزار شد، خود و دیگر رقبا را هم‌سنگ محمد دانست و بر عبدالله محض در این باره خرده گرفت (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۳۱۸-۳۸۸) (۲-۳). از طرفی قداست و همراهی گروه‌های مختلف را که با پنهان داشتن عنوان مهدی نصیب محمد می‌شد، تا حد زیادی کاهش داد و این اجازه به رقیب عباسی آنها داده شد تا با استفاده از اندیشه مهدویت در فرقه کیسانیه موفق شوند (دینوری، ۱۳۸۰: ۳۳۷). (۲-۳)

دومین ایدئولوژی، اختصاص خلافت تنها به فرزندان علی(ع) و فاطمه(س) بود. این مسئله با افتخار عبدالله و نفس زکیه به نسب خالص مشخص است. در نشست ابواء عبدالله بن حسن با بیان اینکه توجه مردم به نفس زکیه بیش از توجه به دیگران است و سخن هیچ کس را مانند او نمی‌پذیرند و با اشاره به اصالت نسب، فرزند خود را مهدی موعود و شایسته این مقام معرفی کرد (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۲۰۶-۲۰۷). بر این اساس بنوالعباس با بیان شعاری مبهم یعنی «الرضا من آل محمد» سعی در ربودن این ایدئولوژی کردند. بیان این شعار موجب تأویل نادرست بنی‌الحسن از آن شد؛ به همین دلیل مبارزان بنی‌العباس را از پیروان خود دانستند. خوشحالی عبدالله بن حسن از نامه ابوسلمه، پذیرش دعوت ابوسلمه و متهم کردن امام صادق به حسادت (اصفهان‌ی، [بی‌تا]: ۱۸۶) این تصور را در ذهن او پدید آورد که بنی‌العباس هنوز به ایدئولوژی‌های جنبش وفادارند (۳-۳). در این مورد می‌توان به نامه نفس زکیه به منصور استناد کرد. نفس زکیه همان برداشت پدرش را از شعار الرضا من آل محمد داشت. او به منصور نوشت که «حق با ماست و شما به نام ما درباره خلافت دعوی می‌کنید و به کمک شیعیان ما جنبش کرده و به برکت ما پیروز شده‌اید...» (طبری، ۱۴۰۸: ۵۶۷/۷). (۴-۳)

ترس عبدالله از ربوده شدن ایدئولوژی موجب شد تا با ساده‌انگاری نه تنها اقدامات عباسیان، بلکه حرکت شیعیان در شهرهای مختلف را به نفع بنی‌الحسن بداند. (۴-۳) بعد از دریافت خبر به خروش درآمدن خراسانیان، او در نشستی جداگانه با ابراهیم و خاندانش به آنها یادآور شد که خروش خراسانیان در حمایت از بنی‌الحسن است و آنها را به بیعت دوباره دعوت کند (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۳۱۸) در حج سال ۱۲۹ق. قحطبه اموالی از خراسان برای ابراهیم آورد. عبدالله از آن مطلع شد و آن اموال را مطالبه کرد. اعطای قسمتی از اموال به او (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۳۱۸) تصور نادرست عبدالله نسبت به وفاداری عباسیان و شیعیان خراسانی به محمد را تقویت کرد (۴-۳)، اما در جلسه‌ای که در سال ۱۲۹ق. برگزار شد، ابراهیم پس از دریافت

خبر قطعی همراهی خراسانیان با بنی‌العباس، بدون بیعت با محمد جلسه را ترک کرد؛ به همین دلیل عبدالله نیز فعالیت‌های مخفیانه او را به مروان گزارش داد (طبری، ۱۴۰۸: ۳۸۸/۴-۳۸۹). این موارد نشان از اقدامات بی‌نتیجه عبدالله برای بازگرداندن حمایت گروه‌های مختلف - چون عباسیان، طالبیان و شیعیان دیگر مناطق...- بعد از سال ۱۲۶ق. دارد (۳-۴). نفس زکیه نیز در بازگرداندن حمایت طالبیان - همان‌طور که قبلاً گفته شد- و شیعیان خراسانی به سوی خود اقداماتی انجام داد که منجر به تغییر عقیده عده‌ای از مردم خراسان نسبت به منصور شد؛ تا آنجا که تصمیم گرفتند و یانش را بیرون کنند (المحلی، ۱۴۲۳: ۲۸۵) اما این اقدامات نیز بی‌نتیجه ماند.

این معیار براساس جدول شماره ۴، در بین عوامل سیاسی استفاده از نام مهدی توسط منصور در مورد (۳-۱) استفاده عباسیان از شعار الرضا من آل محمد (۳-۲)، اقدامات فریب‌کارانه و مبهم عباسیان به منظور همراه کردن بنو‌الحسن با خود (۳-۳) با امتیاز ۳ و وزن نهایی ۰,۵۵۰۵۱ است و در بین عوامل اجتماعی به دلیل گزاره‌هایی چون برانگیختن رقابت‌های مختلف اجتماعی در داده (۳-۲) برداشت نادرست بنو‌الحسن از حرکت شیعیان خراسان و بنی‌العباس به نفع خود و در نتیجه اقدامات بی‌نتیجه حسنین برای بازگرداندن حمایت گروه‌های مختلف بعد از سال ۱۲۶ق. در جلسات متعدد (۳-۴) امتیاز ۲ و وزن نهایی ۰,۴۴۹۴۹ است. در مجموع با توجه به جدول شماره ۱ این معیار در مقایسه با دیگر معیارها با امتیاز ۵ و وزن نهایی ۰,۱۰۵۴۸۵۳ در اولویت سوم قرار دارد.

۴-۲. ضعف در سازماندهی جنبش

از جمله زمینه‌های شکست جنبش نفس زکیه ضعف در سازماندهی جنبش بود. عباسیان با تشکیل حکومت از لحاظ نظامی توانایی و برتری خود را طی جنگ‌هایی که با سپاه امویان داشتند، به اثبات رسانیدند.

۱. توانایی منصور در مدیریت جنبش: منصور برای رویارویی با نفس زکیه از مشورت بزرگانی چون با عبدالله بن علی، بدیل بن یحیی، جعفر بن حنظله بهرانی، بزرگی از اهل شام (طبری، ۱۴۰۸: ۴۶۵-۴۶۶) و اسحاق بن مسلم عقیلی بهره برد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۰۶/۳). منصور برای کنترل جنبش راه‌های ورودی مدینه را قرنطینه کرد؛ مانند جلوگیری از ورود خواربار به حجاز از راه مصر (بلاذری، ۱۹۵۹: ۲۶۷/۳) راه مکه به مدینه با ارسال سپاه (طبری، ۱۴۰۸: ۲۰۸/۶) و قطع راه کوفه به مدینه با استقرار سپاه در کوفه (بلاذری، ۱۹۵۹: ۲۶۷/۳). (۲-۴) (۱-۴)

۲. وجود جاسوسان در بین نیروهای محمد: منصور از جاسوسانی مانند عقبه بن مسلم برای پی بردن به محل اختفای نفس زکیه و زمان قیام او بهره برد (بلاذری، ۱۹۵۹: ۳/۳۱۴). در زمان جنگ نیز منابع از وجود جاسوسان و منافقان در سپاه محمد خبر داده‌اند. این افراد باعث لو رفتن نقشه‌های نظامی او می‌شدند؛ به طوری که فرمانده کل نیروهای منصور به یکی از فرماندهان سپاه خود چنین نوشت: «جاسوسان به من گزارش داده‌اند که این مرد [محمد] اکنون گرفتار ضعف شده است» (طبری، ۱۴۰۸: ۶/۲۰۸). (۲-۴)

۳. فشار روانی بر مردم: عباسیان برای پیدا کردن محل اختفای نفس زکیه، از سیاست تهدید و ارعاب مردم استفاده کردند (طبری، ۱۴۰۸: ۷/۵۳۷). آنها با همراه کردن بزرگان بنو هاشم، همچون محمد بن ابوالعباس سفاح، محمد بن زید بن علی بن حسین، قاسم بن حسن بن زید و محمد بن عبدالله جعفری با سپاه اعزامی به مدینه (اصفهانی، [بی تا]: ۲۶۷) و اعلام اینکه آنها نیز فرزندان پیامبرند ولی با حاکمیت همراه‌اند، مردم را دچار سردرگمی و اضطراب کردند. (۳-۴)

۴. عدم توانایی محمد در مدیریت جنبش: پیروان محمد از قبایل مختلف بودند که با اهداف مختلف با او همراه شدند و ایدئولوژی جنبش در آنها نهادینه نشده بود، به همین دلیل تبعیت از رهبر جنبش برای آنها معنای واقعی نداشت؛ چنان‌که بین رهبر دو قبیله بنی سلیم (جابرین انس) و مردی از بنوشجاع بر سر حفر خندق اختلاف افتاد (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۲۷۴). عبدالحمید بن جعفر از یاران محمد، به سبب اینکه محمد پاسخ سلام فردی از انصار را آهسته داد، او را متهم به تعصب کرد (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۲۷۴). محمد به عنوان رهبر جنبش باید از مشورت دیگران استفاده می‌کرد و از اقدام هیجانی پرهیز می‌کرد. او برای دفاع از شهر پیشنهاد جنگ در خارج از شهر را نپذیرفت و برای جنگ در داخل، بر گرد شهر خندقی حفر کرد (اصفهانی، [بی تا]: ۲۶۸). با این کار مانعی برای بازرگانان مواد غذایی ایجاد کرد و آنها نمی‌توانستند کالاهای غذایی را به داخل شهر ببرند (الهی زاده، ۱۳۸۵: ۲۴۷). هنگام حمله عباسیان نیز محمد در اقدامی هیجانی بسیاری از پیروانش را در ادامه همراهی خود آزاد گذاشت و بعد از این کار پشیمان شد و دیگر نتوانست آنها را به جبهه برگرداند (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۳۹۹). رفتارهای هیجانی سرانجام به ناامیدی و ترس او منجر شد (طبری، ۱۴۰۸: ۷/۵۶۴؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵/۵۱۴) (۱-۴) و جنبش زودهنگامی را بر او تحمیل کرد (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۲۲۲). (۴-۴)

۵. نامناسب بودن حجاز برای مرکزیت جنبش: محمد با وجود توصیه دیگران این شهر را به عنوان مرکز جنبش انتخاب کرد؛ در حالی که از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی برای جنبش مناسب نبود. عبدالحمید بن جعفر و ابن خالد قسری به محمد گوشزد کرده بودند که مدینه شهر

نیرو و سلاح نیست، اما او نپذیرفت (طبری، ۱۴۰۸: ۴۲۹/۴). (۵-۴)
با توجه به جدول شماره ۵ این معیار در بین عوامل سیاسی با توجه به داده‌های (۱-۴) و (۲-۴) امتیاز ۲ و وزن نهایی ۰,۴۴۹۴۹ دارد و در بین عوامل اجتماعی با توجه به داده‌های (۳-۴)، (۴-۴) و (۵-۴) امتیاز ۳ و وزن نهایی ۰,۵۵۰۵۱ دارد. در مجموع، با توجه به جدول شماره ۱ این معیار با امتیاز ۵ و وزن نهایی ۰,۱۰۵۴۸۵۳ در مقایسه با دیگر معیارها در اولویت سوم قرار دارد.

۲-۵. همراهی نکردن حسینیان

تنها رقیب سرشناس محمدبن عبدالله، جعفر صادق(ع) بود. عبدالله تلاش در جلب امام صادق(ع) داشت و در شورای ابواء از او دعوت کرد. امام باقر(ع) که از سیاست و سازماندهی پنهانی بنی‌العباس آگاه بود، در ابواء و به مناسبت‌های دیگر ابن‌عمش را از جنبش پرهیز داد (اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۸۶؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۷۸)، اما عبدالله که فریفته دعوت عباسیان شده بود (حسینیان مقدم، ۱۳۹۳: ۲۸)، تصور می‌کرد عباسیان دعوت خود را به نام پسرش خواهند کرد و آنها هم به دنبال مهدی‌اند که همان پسر اوست (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۵۵/۳). (۱-۵) بعد از نامه ابوسلمه به عبدالله بن حسن، با وجود تذکرات خیرخواهانه امام صادق(ع) در دوری از بنو‌عباس، با متهم کردن امام به حسادت از آنها کناره گرفت (اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۸۶). (۲-۵) عدم همراهی امام صادق(ع) با نفس زکیه موجب شد تا برخی از پیروان امام نیز از حمایت نفس زکیه خودداری کنند. در این راه شدت عمل برخی زیدیان دلیل دیگری برای کناره‌گیری برخی از حسینیان و طالبیان از همراهی با نفس زکیه شد. وجود دو پسر زیدبن علی بن حسین و عیسی در قیام نفس زکیه و رفتارهای افراطی عیسی بن زید بر بیعت‌گیری از طالبیان، شاهدی بر این مسئله است؛ چنان‌که عیسی از نفس زکیه خواست تا آن دسته از فرزندان ابوطالب را که بیعت نکرده‌اند، به او بسپارد تا گردنشان را بزند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۸۳، ۲۹۶). (۳-۵) او تا به آنجا پیش رفت که امام صادق را به ضرب و شتم و زندان تهدید کرد (اصفهانی، [بی‌تا]: ۳۰۴). (۴-۵) باور زیدیان به لزوم اقدام مسلحانه علیه حاکم باعث رفتارهای خشونت‌آمیز با مخالفان شده بود (نجفیان رضوی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

این معیار با توجه به جدول شماره ۲ در بین عوامل سیاسی از امتیاز ۱ و وزن نهایی ۰,۴۱۴۲۱۴ یعنی تأثیر یکسان و عدم برتری برخوردار است. در بین عوامل اجتماعی، به دلیل دوری‌گزینی امام صادق از اقدامات نفس زکیه و نپیوستن به جنبش در موارد (۲-۵)، (۳-۵) و (۴-۵) این معیار امتیاز ۳ را دارد. در مجموع، با توجه به جدول شماره ۱ این معیار در مقایسه

با دیگر معیارها با امتیاز ۴ و وزن نهایی ۰,۰۸۶۵۰۶۷ در اولویت چهارم است.

۶-۲. جلوگیری از ادامه پشیمانی حسنین

برایمن تأکید کرده است که یکی از خطرترین مراحل دستیابی به کاریزما توسط رهبران، وجود هسته اولیه‌ای از حامیان فعال است. «آنها احساس رسالت او را در میان مردم تقویت می‌کنند و آماده انجام تبلیغات برای او هستند... اهمیت هسته حامیان اولیه رهبران کاریزمایی بالقوه، در این مرحله آن است که به عنوان پلی میان رهبر و توده‌های جنبش یا پیروان گسترده عمل می‌کنند. اگر آنها در گسترش رسالت یا جذب اعضای جدید موفقیتی کسب نکنند، در این صورت رهبر کاریزمایی موفق نخواهد شد» (Alan Bryman, 1992: 57).

هسته اولیه حامیان فعال نفس زکیه که حمایتشان با توجه به بُعد عاطفی، انگیزه قوی در محمد برای مبارزه ایجاد می‌کرد، خاندان او بنوالحسن بودند. منصور که از خشم بنوالحسن نسبت به روی کار آمدن بنوالعباس آگاهی داشت، بعد از به قدرت رسیدن، در طلب محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله - که پیش از بنیاد دولت عباسی دوباره (در سال ۱۲۶ و ۱۲۹ق) با محمد بیعت کرده بودند (اصفهانی، [بی تا]: ۲۵۹) - برآمد، اما چون نتوانست به آنها دست یابد، ابتدا به والیان خود در مدینه دستور داد در راه دستگیری نفس زکیه هر اقدامی انجام دهند. او ریاح بن عثمان بن حیان المری را بدین کار گمارد. ریاح به تهدید عبدالله بن حسن برای تسلیم کردن نفس زکیه پرداخت. عبدالله در سال ۱۴۰ق. دستگیر شد. بعد از آن به دستور منصور همه بنوالحسن دستگیر (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۵) (۱-۶) و با خواری به حیره یا ربه تبعید شدند (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۲/۳۷۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۰/۸۱) (۲-۶). این مسئله نفس زکیه را دچار اضطراب کرد؛ به طوری که با پوشیدن لباس مبدل اعراب بدوی، خود را در راه تبعید به پدر رساند و برای خروج زود هنگام خود کسب اجازه کرد (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۶) (۳-۶). منصور به منظور اعراب نفس زکیه، فرزندان حسن را به کوفه آورد و آنان را در قصر ابن هبیره زندانی و شکنجه کرد (طبری، ۱۴۰۸: ۵۴۶۷؛ اصفهانی، [بی تا]: ۲۱۱-۲۱۲). (۴-۶)

با توجه به داده‌های (۱-۶)، (۳-۶) و (۴-۶) حاکمیت با دستگیری، شکنجه و کشتار بنی‌الحسن تنش عاطفی شدیدی را برای نفس زکیه ایجاد و او را دچار سردرگمی کرد و از حمایت هسته اصلی پیروانش باز داشت. این مسئله باعث خروج زود هنگام نفس زکیه شد (بلاذری، ۱۹۵۹: ۳/۹۰)؛ به همین دلیل امتیاز این معیار با توجه به جدول شماره ۲ در بین عوامل اجتماعی امتیاز ۳ و وزن نهایی آن ۰,۵۵۰۵۱ است و در بین عوامل سیاسی با توجه به کنش سیاسی حاکم در موارد (۱-۶) و (۴-۶) مبنی بر دستگیری و قتل بنوالحسن، دارای امتیاز

۲ و وزن نهایی ۰,۴۴۹۴۹ است. در مجموع، براساس جدول ۱ امتیاز این معیار در مقایسه با دیگر معیارها ۵ و وزن نهایی آن ۰,۱۰۵۴۸۵۳ در اولویت سوم است.

۲-۷. از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه

آخرین عاملی که به پیروزی منصور کمک کرد، این بود که وی ارتباط محمد نفس زکیه را با خراسان و کوفه قطع کرد. خراسان منطقه آماده‌ای برای محمد بود تا یاران و پیروانی در آن منطقه گرد آورد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵۳۴/۵)؛ زیرا بسیاری از خراسانیان در اواخر حکومت بنو امیه به عنوان پشتیبانی از آل محمد با عباسیان بیعت کرده بودند و خیال می‌کردند با خاندان ابوطالب بیعت کرده‌اند، ولی پس از روی کار آمدن بنو العباس و ایجاد فشار نسبت به علویان به اشتباه خود پی بردند و خود را کنار کشیدند. از این رو، بسیاری از آنان آمادگی کامل برای پیوستن به محمد را داشتند و به همین دلیل منصور تصمیم گرفت جلوی حمایت خراسانیان از نفس زکیه را بگیرد. همچنین منصور با پخش شایعه قتل نفس زکیه (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۷۵/۹) (۷-۱) و جلوگیری از ورود مبلغان محمد به خراسان و ورود خراسانیان به مدینه، موجی از ناامیدی و بی‌خبری در دل پیروان خراسانی محمد انداخت (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲۳۸/۳). (۷-۲) از طرف دیگر، منصور ارتباط محمد و ابراهیم را با کوفه قطع کرد و در بیرون کوفه اردو زد و رفت و آمد به کوفه را زیر نظر گرفت (طبری، ۱۴۰۸: ۵۶۵/۷؛ اصفهانی، [بی‌تا]: ۳۸۸) (۷-۳). بدین ترتیب، منصور مانع از جذب خراسانیان و کوفیان به جنبش نفس زکیه شد.

این معیار با توجه به داده‌های (۷-۱)، (۷-۳) قطع راه‌های ارتباطی کوفه و خراسان و همچنین پخش شایعه کشتن نفس زکیه از سوی حاکمیت با توجه به جدول ۸ در بین عوامل سیاسی امتیاز ۲ و وزن نهایی ۰,۵۵۰۵۱ است. این معیار در عوامل اجتماعی که در واکنش به کنش سیاسی حاکم ایجاد شد، با توجه به داده‌های (۷-۱)، (۷-۲)، (۷-۳) یعنی پشتیبانی پیروان کوفی و خراسانی نفس زکیه و ناامیدی و بی‌خبری از این گروه‌های اجتماعی در شکست جنبش نفس زکیه، دارای امتیاز ۳ و وزن نهایی ۰,۵۵۰۵۱ است و در مجموع، این معیار با توجه به جدول شماره ۱ در مقایسه با دیگر معیارها با امتیاز ۵ و وزن نهایی ۰,۱۰۵۴۸۵۳ در اولویت سوم است.

۲-۸. ناآگاهی از فضای فکری جامعه

به قدرت رسیدن عباسیان مقارن با شکل‌گیری رسمی مذاهب کلامی در عالم اسلام بود. رواج این بحث‌های کلامی در جامعه موجب بیداری فکری مردم و کناره‌گیری از مذهب اهل سنت

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۰۳

و جماعت شد که دنباله تفکرات مرجئه بود و حتی حاکمیت عباسی تثبیت قدرت خود را در نزدیکی به این مذاهب فکری کلامی دید.

فشارهای تبلیغاتی و سال‌ها دوری نفس زکیه از شهر، او را از این فضای فکری جامعه دور کرد و همین امر باعث شد او دست یاری همه جریان‌های مذهبی را بپذیرد و دیدگاهی سازشکارانه در پیش بگیرد؛ مانند پذیرش برخی از دیدگاه‌های اهل سنت. فقها و محدثان از قوی‌ترین و سیاسی‌ترین حامیان جنبش حسینیان بودند و اگر حمایت‌های فقها از جنبش حسینیان نبود، اقبال عمومی مردم به حسینیان به این شکل صورت نمی‌گرفت (آئینه‌وند، بیاتی و استهری، ۱۳۹۳: ۴۸).

فتوای مالک بن انس فقیه مدینه و ابوحنیفه فقیه عراق و اقدامات فقهای حجاز مانند عبدالله بن عامر اسلمی، عبدالعزیز بن محمد درآوردی، اسحاق بن ابراهیم بن دینان و غیره (المحلی، ۱۴۲۳: ۲۹۲) (۱-۸) و حضور فرزندان عمر بن خطاب و زبیر (طبری، ۱۴۰۸: ۵۵۹/۷؛ اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۵۱، ۲۵۴) (۲-۸) در حمایت از جنبش، نقش اساسی در گرایش مردم شهرها و بادیه‌ها به نفس زکیه داشت (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۹۸/۲) (۳-۸). توجه به اهل سنت عواقبی نیز داشت و آن دور شدن دیگر جریان‌ها به‌ویژه زیدیان از جنبش بود. حضور ده نفر از خاندان ابوطالب و زید بن علی در سپاه عیسی بن موسی به منظور تضعیف محمد در مدینه و تسلیم مردم (طبری، ۱۴۰۸: ۴۴۰/۴-۴۴۱) (۴-۸) و تلاش محمد بن زید در پراکنده کردن پیروان نفس زکیه پیش از آغاز جنگ (طبری، ۱۴۰۸: ۴۴۱/۴، اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۶۷) از جمله آنها بود. (۵-۸)

جلوگیری از تندروی پیروان خود در مقابل دیگر گروه‌های رقیب از دیگر اقدامات نفس زکیه بود. این مسئله را می‌توان در مخالفت نفس زکیه با شدت عمل عیسی بن زید هنگام بیعت‌گیری از طالبیان دید (اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۹۴-۲۹۶) (۶-۸). گفتنی است رفتار سازشکارانه نفس زکیه کوششی بود برای جلب حمایت و همراهی علما گروه‌های مختلف و همچنین مردمی که چشم به دهان این دسته از علما دوخته بودند، اما تجربه تاریخی نشان داده است که معمولاً این‌گونه عقاید میانجی در نهایت با موفقیت چندانی روبه‌رو نمی‌شوند؛ چنان‌که با وجود تلاش‌های امیدبخش محمد در بازگرداندن شیعیان خراسانی به سوی خود، این امر موفقیتی را در پی نداشت و خراسانیان مردم را به شدت تیرباران کردند و باعث پراکندگی آنها شدند (طبری، ۱۴۰۸: ۲۶۹/۴؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۰۷/۳) برخی طالبیان و زیدیان علیه محمد سخنانی را به زبان راندند و سعی در پراکنده کردن یارانش داشتند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۲۶۷). (۷-۸)

درحالی‌که رقبای سیاسی نفس زکیه خود را به سلاح‌های فکری و کلامی روز تجهیز

می‌کردند، دوری او از این فضا به عدم توانایی در دفاع از حقانیت خود و تبیین دقیق ایدئولوژی‌هایش با استفاده از بحث‌های کلامی منجر شد. عدم توانایی محمد در پاسخ‌دهی به مسئله امامت سبب واگرایی عمرو بن عبید به همراه سه‌هزار معتزلی از قیام نفس زکیه شد (اصفهان‌ی، [بی‌تا]: ۱۸۷). (۸-۹) تغییر موضع عمرو درباره عدم همراهی با عقاید محمد هنگامی آشکارتر می‌شود که او در پاسخ به منصور به او اطمینان خاطر داد که قیام بالسیف را جایز نمی‌داند (ابن عبدربه، [بی‌تا]: ۸۵/۵).

این مسئله در نزدیک شدن جریان‌های مطرود مانند غلات به جنبش نیز بی‌تأثیر نبود. تبلیغات مغیره‌بن سعید عجلی و بیان بن سمعان نه‌دی از غلات عراق برای مهدویت محمد (ابن حبیب، [بی‌تا]: ۴۸۳) (۸-۱۰) و حضور معلی بن خنیس در جنبش -که با مغیره نیز ارتباط داشت- یک نمونه است (الهی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

با توجه به داده‌های به دست آمده این معیار، در بین عوامل اجتماعی با توجه به جدول ۲ به دلیل عدم جذب گروه‌های مختلف اجتماعی در جنبش که در داده‌های (۸-۱) تا (۸-۸) به آن پرداخته شد، امتیاز ۹ و وزن نهایی ۰,۶۷۹۶۲۳ را دارد و در بین عوامل سیاسی با توجه به عملکرد حاکمیت درباره علمای اهل سنت و معتزلی در داده‌های (۸-۲) و (۸-۱۰) امتیاز ۲ و وزن نهایی ۰,۳۲۰۳۷۷ دارد. از آنجا که مجموع این داده‌ها بیشتر از ۹ است و برای امتیازدهی در روش AHP از مقیاس نه درجه ساعتی استفاده می‌شود -یعنی از ۱ تا ۹- پس با توجه به جدول ۱ بیشترین امتیاز یعنی عدد ۹ در مقایسه با دیگر معیارها به این معیار داده شده و وزن نهایی آن ۰,۱۷۷۸۶۹۲ در اولویت اول است.

۹-۲. تعصب‌های قبیله‌ای

هنگام جنبش محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم، جامعه حجاز و عراق دستخوش گونه‌ای از «تعصب» آشکار و فراگیر بود و همین امر در شکست قیام نفس زکیه نقش مؤثری داشت. با شروع جنبش بسیاری از قبایل مانند بنی‌سلیم، بنی‌بکر، اسلم و غفار به محمد پیوستند. بنی‌شجاع از جهینه بیشترین سپاهیان نفس زکیه را تشکیل می‌دادند (طبری، ۱۴۰۸: ۴۳۸/۴). محمد «جهینه» را بر سایر قبایل مقدم داشت و همین امر خشم و کینه قبایل مزبور را نسبت به محمد برانگیخت (طبری، ۱۴۰۸: ۵۸۱/۷). (۹-۱) این تعصب‌ورزی‌ها در چند مورد دیگر نیز خودنمایی و جبهه محمد را تضعیف کرد. با نزدیک شدن سپاه منصور به مدینه، موضوع حفر یک خندق در اطراف مدینه مطرح شد تا مانع از نفوذ دشمن به داخل شهر شود. در این هنگام یکی از قبایل به نام «بنی‌سلیم» با این طرح مخالفت ورزیدند و اشکالات آن را عنوان کردند،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۰۵

ولی قبیله دیگری به نام «بنی شجاع» اصرار داشتند این طرح اجرا شود (طبری، ۱۴۰۸: ۵۸۲/۷-۵۸۲). (۹-۱) تعصبات قبیله‌ای زمینه‌های تشتت فکری را در بین نیروهای نفس زکیه رقم می‌زد؛ چنان‌که این مسئله را می‌توان در اعتراض یکی از یاران محمد در تفاوت سلام دادن او به یکی از انصار در برابر یک جوان قریشی (طبری، ۱۴۰۸: ۴۲۷/۴) (۹-۲) مشاهده کرد. سرانجام تعصبات قبیله‌ای به خیانت قبیله بنی غفار به محمد منجر شد و آنها به نیروهای عباسی اجازه دادند از محله‌های آنها وارد مدینه شوند (طبری، ۱۴۰۸: ۴۴۵/۴).

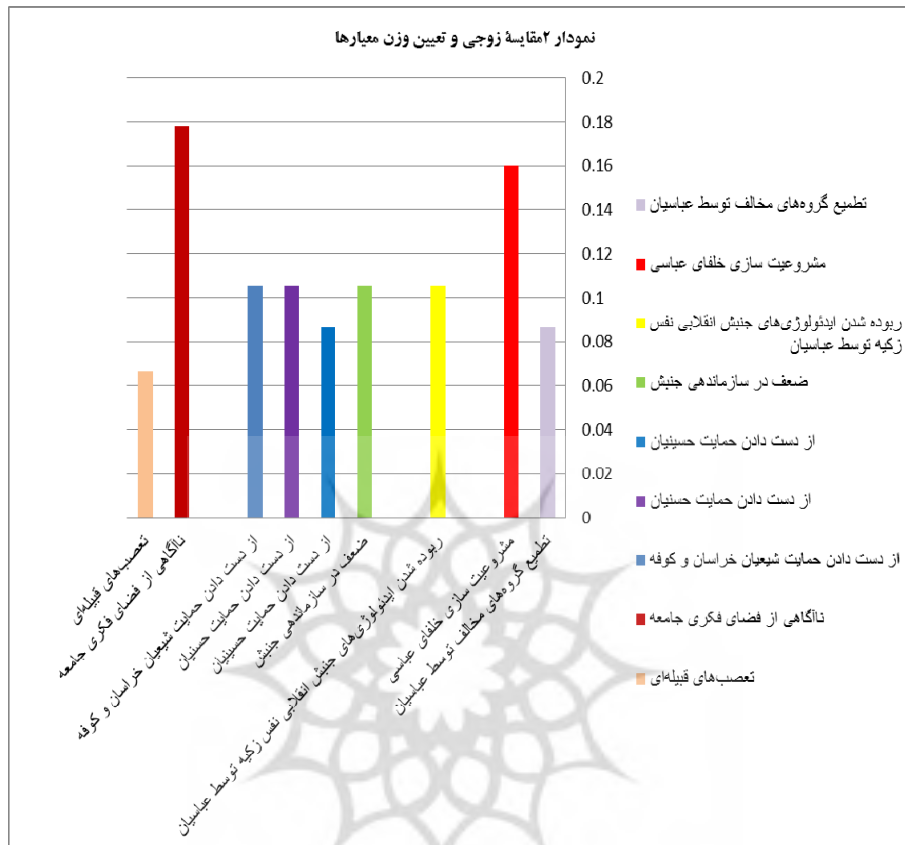
بنابراین اندیشه‌های نفس زکیه پاسخگوی نیاز مخالفان نبود. شناخت او نسبت به فضای فکری جامعه و نداشتن آگاهی از انگیزه‌های گروه‌های پشتیبان و سیاست‌های زیرکانه منصور در پراکندن پشتیبانان او، سبب شد تا او تنها با سیصد تن از یارانش جنبش را رهبری کند و به دست سپاه عیسی بن موسی کشته شود (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۵/۵۴۷) و جنبش او نهادینه نشود. با توجه به داده‌های (۹-۱) و (۹-۲)، براساس جدول شماره ۱۰ این معیار در بین عوامل اجتماعی به دلیل واگرایی و اختلاف باورهای قبایل دارای امتیاز ۲ و وزن نهایی ۰,۵۸۵۷۸۶ است و در بین عوامل سیاسی از امتیاز ۱ و وزن نهایی ۰,۴۱۴۲۱۴ یعنی تأثیر یکسان و عدم برتری برخوردار است و در مجموع، این معیار در جدول شماره ۱ در مقایسه با دیگر معیارها با امتیاز ۵ و وزن نهایی ۰,۰۶۶۹۸۷۴ در اولویت پنجم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۰۶ / تحلیل سلسله‌مراتبی عوامل شکست جنبش نفس زکیه / هدی شعبان‌پور و ...

جدول شماره ۱: مقایسه زوجی و تعیین وزن معیارها

ردیف	میانگین هندسی	تصعب‌های قبیله‌ای	ناآگاهی از فضای فکری جامعه	از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه	از دست دادن حمایت حسینیان	از دست دادن حمایت حسینیان	ضعف در سازماندهی جنبش	رپوده شدن اندیشه‌های جنبش انقلابی نفس زکیه توسط عباسیان	مشروعیت‌سازی خلفای عباسی	تطمیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان	تطمیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان (۴)
۰,۰۸۶۵۰۶۷	۳,۴۲۸۹۷۶	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	مشروعیت‌سازی خلفای عباسی (۲)
۰,۱۶۰۱۸۸۷	۶,۳۴۹۶۰۴	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۱	۸	رپوده شدن اندیشه‌های جنبش نفس زکیه توسط عباسیان (۳)
۰,۱۰۵۴۸۵۳	۴,۱۸۱۲۵۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۵	۵	ضعف در سازماندهی جنبش (۳)
۰,۱۰۵۴۸۵۳	۴,۱۸۱۲۵۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۵	۵	۵	عدم همراهی حسینیان (۴)
۰,۰۸۶۵۰۶۷	۳,۴۲۸۹۷۶	۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	جلوگیری از حمایت حسینیان (۳)
۰,۱۰۵۴۸۵۳	۴,۱۸۱۲۵۵	۵	۵	۵	۱	۵	۵	۵	۵	۵	از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه (۳)
۰,۱۷۷۸۶۹۲	۷,۰۵۰۴۲۹	۹	۱	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	ناآگاهی از فضای فکری جامعه (۱)
۰,۰۶۶۹۷۸۴	۲,۶۵۵۳۶۴	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	تصعب‌های قبیله‌ای (۵)

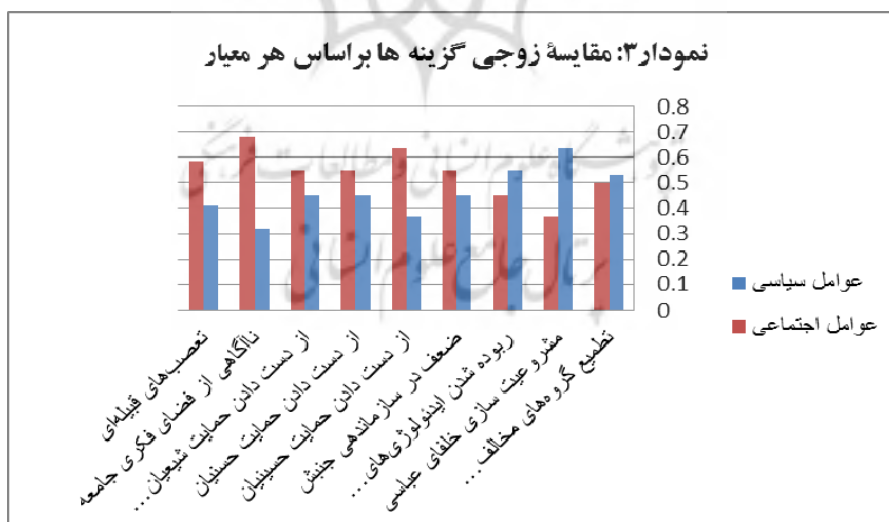


گام سوم: مقایسه زوجی گزینه‌ها براساس هر معیار

در گام سوم مقایسه زوجی گزینه‌ها براساس هر معیار و تعیین اولویت گزینه‌ها صورت می‌گیرد. برای تعیین اولویت، از مفهوم نرمال‌سازی استفاده می‌شود تا وزن هر گزینه در هر معیار مشخص شود. سرانجام با مجموع حاصل ضرب اولویت آن گزینه براساس معیار، ضربدر اولویت آن معیار، امتیاز هر گزینه به دست خواهد آمد. در این پژوهش عوامل سیاسی و عوامل اجتماعی دو گزینه‌ای هستند و با توجه به هدف، در ارتباط با شاخص‌های تعیین شده در جدول‌های زیر مقایسه و ارزیابی خواهند شد که به منظور جلوگیری از گسست کلام در گام دوم به آن پرداخته شده است.

جدول شماره ۱۱ مقایسه زوجی گزینه‌ها براساس هر معیار

تخصیبات قبیله‌ای	ناآگاهی از فضای فکری جامعه	از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه	از دست دادن حمایت حسینیان	از دست دادن حمایت حسینیان	ضعف در سازماندهی جنبش	ریوده شدن اندیشه‌های انقلابی نفس زکیه توسط عباسیان	مشروعیت سازی خلفای عباسی	تطمیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان	
۰.۴۱۴۲۱۴	۰.۳۲۰۳۷۷	۰.۴۴۹۴۹	۰.۴۴۹۴۹	۰.۳۶۶۰۳	۰.۴۴۹۴۹	۰.۵۵۰۵۱	۰.۶۳۳۹۷۵	۰.۵	عوامل سیاسی
۰.۵۵۷۸۶	۰.۶۷۹۶۲۳	۰.۵۵۰۵۱	۰.۵۵۰۵۱	۰.۶۳۳۹۷۵	۰.۵۵۰۵۱	۰.۴۴۹۴۹	۰.۳۶۶۰۲۵	۰.۵	عوامل اجتماعی



بنابراین با توجه به جدول‌های بالا، گزینه عوامل اجتماعی - با توجه به وزن معیارها - در معیار «ناآگاهی از فضای فکری جامعه» در اولویت اول، در معیار «از دست دادن حمایت حسینیان» در اولویت دوم، در معیار «تعصب‌های قبیله‌ای» در اولویت سوم، در معیارهای «از دست دادن حمایت حسنین»، «از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه»، «ضعف در سازماندهی جنبش» در اولویت چهارم، در معیار «تطمیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان» در اولویت پنجم، در معیار «ر بوده شدن اندیشه‌های جنبش نفس زکیه توسط عباسیان» در اولویت ششم و «در معیار مشروعیت‌سازی خلفای عباسی» در اولویت هفتم قرار دارد.

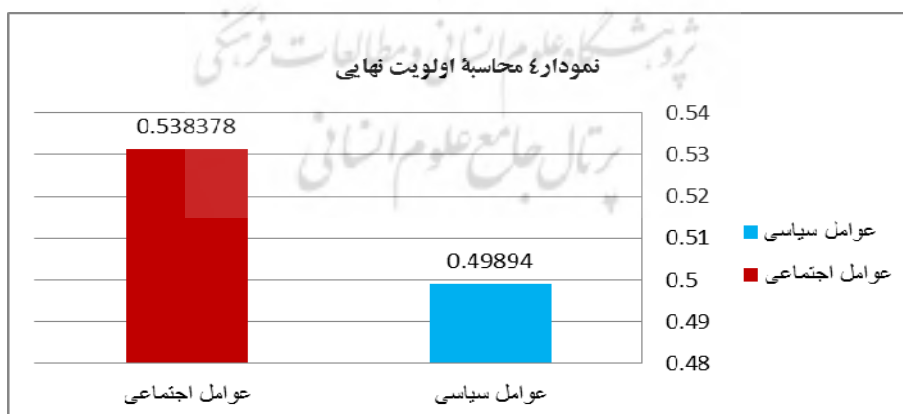
گزینه عوامل سیاسی در معیار «مشروعیت‌سازی خلفای عباسی» در اولویت اول، در معیار «ر بوده شدن اندیشه‌های جنبش نفس زکیه به دست عباسیان» در اولویت دوم، در معیار «تطمیع گروه‌های مخالف توسط عباسیان» در اولویت سوم، در معیارهای «ضعف در سازماندهی جنبش»، «از دست دادن حمایت حسنین» و «از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه» در اولویت چهارم، در معیار «تعصبات قبیله‌ای» در اولویت پنجم، در معیار «از دست دادن حمایت حسینیان» در اولویت ششم و در معیار «ناآگاهی از فضای فکری جامعه» در اولویت هفتم بود.

گام چهارم محاسبه اولویت نهایی

در این قسمت وزن نهایی هر یک از معیارها با وزن نهایی هر معیار در گزینه‌ها (عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی) ضرب می‌شود. مجموع وزن کل هر یک از این ضرایب، وزن نهایی هر گزینه را تعیین می‌کند. در جدول زیر در هر ستون ابتدا وزن نهایی هر معیار با وزن نهایی هر گزینه براساس هر معیار در هم ضرب شده است و در ستون آخر مجموع این ضرایب محاسبه شد و عوامل اجتماعی با بیشترین وزن نسبت به عوامل سیاسی در اولویت اول قرار گرفت. بنابراین جنبش نفس زکیه در پرتو عوامل سیاسی و اجتماعی مختلف رخ داد و جامعه توان مناسب برای پدید آمدن رهبری کاریزما را در خود به وجود آورد، اما به تدریج با کاهش هیجان‌های اجتماعی و ناامیدی سیاسی، جامعه از حالت کاریزمایی دور و جنبش با شکست روبه‌رو شد.

جدول شماره ۱۲ محاسبه اولویت نهایی

مجموع										
تغصب‌های قبیله‌ای	۰,۰۲۷۳۵۵									
ناآگاهی از فضای فکری جامعه	۰,۰۵۷۰۴۳									
از دست دادن حمایت شیعیان خراسان و کوفه	۰,۰۴۶۶۶۳									
از دست دادن حمایت حسینیان	۰,۰۴۶۶۶۳									
از دست دادن حمایت حسینیان	۰,۰۳۱۶۶۴									
ضعف در سازماندهی جنبش	۰,۰۴۶۶۶۳									
رنوده شدن اندیشه‌های جنبش انقلابی نفس زکیه توسط عباسیان	۰,۰۸۲۲۵۵									
مشروعیت سازی خلفای عباسی	۰,۰۱۰۱۶۵۹									
تظلم‌گر و مخالفان توسط عباسیان	۰,۰۴۳۲۹۷									
عوامل سیاسی										
عوامل اجتماعی										
	۰,۰۴۶۸۹۹									
	۰,۰۳۸۶۸۵									
	۰,۰۱۲۱۰۰۷									
	۰,۰۵۵۸۱۳									
	۰,۰۵۵۸۱۳									
	۰,۰۵۴۸۴۳									
	۰,۰۵۸۱۳									
	۰,۰۴۷۶۶۳									
	۰,۰۵۸۶۹۳									
	۰,۰۴۳۲۹۷									



نتیجه گیری

جنبش نفس زکیه نخستین جنبش علوی دوره عباسی، به دنبال چالش‌های سیاسی و اجتماعی دوره امویان و پس از برآمدن عباسیان پدید آمد. این جنبش با اندیشه‌های موعودگرایی، نگرش همگانی مردم را به خود کشاند. در ادامه، با قدرت‌گیری عباسیان در دوره منصور و بهره‌گیری از شیوه‌های سیاسی مانند مشروعیت‌سازی و ربودن اندیشه جنبش نفس زکیه گام‌به‌گام از روند رشد آن کاسته شد و جنبش نفس زکیه شکست خورد. در این زمینه برای ارزیابی کیفی و کمی عوامل سیاسی و اجتماعی در شکست این جنبش، روش‌های گوناگونی را می‌توان در پیش گرفت. تحلیل داده‌ها با روش Ahp از بهترین روش‌ها برای ارزیابی این مسئله شناخته شده است.

دست‌آورد این پژوهش و روش چنین شد که گرچه عوامل سیاسی در آغاز زمینه‌های شکست جنبش را فراهم کردند، اما در روند جنبش با دور شدن نفس زکیه از فضای فکری جامعه و پراکندگی پیروان او مانند بنوالحسن، بنوالحسین، خراسانی‌ها و کوفیان، فضای ناامیدانه سیاسی و اجتماعی بر سپاه نفس زکیه چیره شد که ضعف سازماندهی جنبش را در پی داشت؛ به همین دلیل جامعه نیز توان پذیرش رهبری کاریزما را از دست داد و زمینه‌های اجتماعی شکست فراهم شد. بنابراین مشخص شد که میزان تأثیر عوامل اجتماعی در شکست جنبش نفس زکیه بیش از عوامل سیاسی بوده است.

منابع و مأخذ

- آئینه‌وند، صادق، هادی بیاتی و هادی استهری (زمستان ۱۳۹۳)، «واکاوی قیام محمدبن عبدالله (نفس زکیه) و نتایج و پیامدهای آن»، *مجله شیعه‌شناسی*، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۲۰۳-۲۲۶.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م)، *شرح نهج‌البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۵، بیروت: دار صادر- دار بیروت.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج (۱۳۶۸)، *تلبیس ابلیس*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ج ۸، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ابن‌طقطقی، محمدبن علی (۱۹۹۷/۱۴۱۸)، *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دار القلم العربی.
- ابن‌عبدربه، احمد [بی‌تا]، *العقد الفرید*، حقه و علق علیه علی شیری، ج ۵، بیروت: دار التراث العربی.
- ابن‌عنه، احمدبن علی (۱۴۱۷ق)، *عمدة الطالب فی انساب آل‌ابی‌طالب*، قم: انصاریان.
- ابن‌حبیب، محمد [بی‌تا]، *المحبر*، تصحیح الیزه لیختن شتیتیر، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.

۱۱۲ / تحلیل سلسله‌مراتبی عوامل شکست جنبش نفس زکیه / هدی شعبان‌پور و ...

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب و البربر*، تحقیق خلیل شحاده، ج ۲، ۳، بیروت، دار الفکر، الطبعة الثانية.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل (۱۹۸۶/۱۴۰۷)، *البدایة و النهایة*، ج ۱۰، بیروت: دار الفکر.
- اصفهانی، ابوالفرج علی [بی تا]، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفة.
- الهی زاده، محمدحسن (۱۳۸۵)، *جنبش حسنیان*، قم: شیعه‌شناسی.
- برادران، رضا و محمدصادق گل‌پور سوته (بهار ۱۳۹۶)، «مهدی‌باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه (۱۴۵-۱۰۰)»، *فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۲۶، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد حمیدالله، ج ۳، مصر، دار المعارف.
- بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۷۸ش)، *تاریخنامه طبری*، تحقیق محمد روشن، ج ۳، تهران: سروش، ج ۲.
- حسینیان مقدم، حسین (بهار ۱۳۹۳)، «واکاوی شعار عباسیان در ذهنیت عمومی جامعه»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۲۷-۵۴.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸)، *اخبار الطوال*، تحقیق عبدالنعیم عامر، مراجعه جمال‌الدین شیال، قم: منشورات ارضی.
- دینوری، ابن قتیبه (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *الإمامة و السياسة*، تحقیق علیشیری، ج ۲، بیروت: دار الأضواء.
- ابن قتیبه دینوری (۱۳۸۰ش)، *امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)*، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۳/۱۴۱۳)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۹، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الثانية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸)، *تاریخ الطبری*، ج ۴، ۷، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲.
- قدسی‌پور، سید حسن (۱۳۹۱)، *فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- مجهول المؤلف (۱۳۹۱)، *اخبار الدولة العباسیه و فیه اخبار العباس و ولده*، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دار العلمیه.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، ج ۲، ۳، قم: دار الهجرة، چ دوم.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۲، تهران: آگاه.
- المحلی، حمید بن احمد بن محمد (۱۴۲۳ق)، *الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیه*، تحقیق مرتضی بن زید المحطوری الحسنی، صنعا: مطبوعات مکتبه مرکز بدر.
- نجفیان رضوی، لیلا (بهار ۱۳۹۱)، «واکاوی دلایل حمایت، همراهی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی زیدیه، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱۴۵ هجری»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۹۷-۱۲۴.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۶، تابستان ۹۹ / ۱۱۳

- ولوی، علیمحمد (۱۳۸۰)، *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی*، تهران: دانشگاه الزهراء.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات مولی. - یعقوبی، یعقوب بن واضح (۱۴۱۳ق)، *تاریخ یعقوبی*، تحقیق عبدالامیر مهنا، ج ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

- Bryman, Alan (1992), *Charisma and Leadership in Organization*, London: Sage Publications.



List of sources with English handwriting

- [Anon] (1391), *Aḳbār al-Dolta al-'Abbāsīyya va Fiha Aḳbār al-A'Abbās va Valada*, Edited by 'Abul'azīz al-Dorī va 'Abduljabbār al-Moḳalibī, Beirut: Dār al-'Elmīya.
- Āḡnavand, Šādiq; Bayātī, Hādī, Estahrī, Hādī (Winter 1393 Š.), "Vākāvī-ye Qīām-e Moḳammad b. 'Abullāh, (Nifse Zikīyya) va Natāyej va Peyāmadhā-ye Ān", *Majāla-ye Šāšīnāsī*, 12, No. 48, pp. 203-226. [In Persian]
- Bal'amī, Abu 'Alī Moḳammad (1378 Š.), *Tārīḳnāma-ye Ṭabarī*, Edited by Moḳammad Rošan, Vol. 3, Tehran: Sorūš. [In Persian]
- Barādarān, Rezā; Golpūr Sūta, Moḳammad Šādiq (Spring 1396 Š.), "Mahdībavārī va Moalifahā-ye An dar Mīān-e Zidīyān Moḳārīn bā Zohūr-e Nafsi Zakīyya (100-145)", *Tārīḳ-e Farḡ va Tamaddon-e Eslāmī*, No. 26, pp. 117-138. [In Persian]
- Bilāḡdorī, Aḡmad b. Yahyā (1959), *Ansāb al-Ašraf*, Edited by Moḳammad Ḥamīdallāh, Vol. 3, Mišr: Dār al-Ma'ārif.
- Dīnavārī, Abuḡanīfa, Aḡmad b. Dāvūd (1368), *Aḳbār al-Ṭivāl*, Edited by 'Abudlna'im 'Āmir, ġamāl al-Dīn Šīāl, Qom: Manšūrāt-e Arzī.
- Dīnavārī, Ibn Qotiba (1410/1990), *Al-Emāma va al-Sīāsa*, Edited by 'Alīšīrī, Vol. 2, Beirut: Dār al-Azvē.
- Dīnavārī, Ibn Qotiba (1380 Š.), *Emāmat va Sīāsat (Tārīḳ-e ḳolafā)*, Translated by Sayyed Nāsīr Ṭabāṭabāī, Tehran: Qoqnūš. [In Persian]
- Ḍabhī, Moḳammad b. Aḡmad (1413/1993), *Tārīḳ al-Eslām va Vafīyāt al-Mašāḡir va al-'Alām*, Edited by 'Omar 'Abulsalām Tadmorī, Vol. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Esfahānī, Abulfaraj 'Alī (n. d.), *Maḡāṭil al-Ṭālibīn*, Edited by Sayyed Aḡmad Šaqr, Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ibn 'Abdiraba, Aḡmad (n. d.), *Al-'Iqd al-Farīd*, Edited by 'Alī Šīrī, Vol. 5, Beirut: Dār al-Torāṭ al-Eslāmīyya al-'Arabī.
- Ibn 'Anba, Aḡmad b. 'Alī (1417), *'Omda al-Ṭālib fī Ansāba Āl Abīṭālib*, Qom: Anšārīān.
- Ibn Abī al-Ḥadīd, 'Abdulḡamīd (1386/ 1966), *Šarḡ-e Nahj al-Balāḡa*, Edited by Moḳammad Abulfazl Ebrāḡīm, Vol. 16, Beirut: Dār Eḡyā al-Torāṭ al-'Arabī.
- Ibn Aḡfir, 'Ezz al-Dīn 'Alī (1385/1965), *Al-Kāmil fī al-Tārīḳ*, Vol. 5, Beirut: Dār Šādir- Dār Beyrūt.
- Ibn Ḥabīb, Moḳammad (n. d.), *Al-Moḡabbar*, Edited by Eliza Liḳṡṡtin Šitūr, Beirut: D al-Āfāq al-ḡadīda.
- Ibn ġuzī, Abul faraj (1368), *Talbīs-e Iblīs*, Translated by 'Alīrezā Qrāḡozlū, Vol. 8, Tehran: Markaz-e Našr-e Dānīšḡāhī. [In Persian]
- Ibn ḳadūn, 'Abdulraḡmān b. Moḳammad (1408/1988), *Dīvān al-Mobṡadā va al-ḳābar fī Tārīḳ al-'Arab va al-Barbar*, Edited by ḳalīl Šaḡāda, Vol. 2-3, Beirut: Dār al-Fīkr.
- Ibn Kaḡfir, Al-Damīšqī, Eslmāīl (1407). 1986), *Al-Badāya va al-Nahāya*, Vol. 10, Beirut: Dār al-Fīkr.
- Ibn Ṭīḡṡīḡī, Moḳammad b. 'Alī (1418/1997), *Al-Faḡrī fī Ādāb al-Solṡānīyya va al-Doval al-Eslāmīyya*, Edited by 'Abdul Qādir Moḳammad Māyo, Beirut: Dār al-Qalam al-'Arabī.
- ḡosseīnān Moḡadam, ḡossien (Spring 1391 Š.), "Vākāvī-ye Šo'ār-e 'Abbāsīān dar Ḍīhnīyyat-e 'Omūmī-ye ġāmi'a," *Peḡūḡhišnāma-ye Tārīḳ-e Eslām*, 4, No. 13, pp. 27-54.
- Maḡallī, ḡamīd b. Moḳammad (1432), *Al-Hidāeq al-Vardīyya fo Manāšīb al-Aīma al-Zīdīyya*, Edited by Mortazā b. Zīyd al-Maḡṡūrī al-ḡasanī, Sana'a: Maṡbū'āt-e Maktaba Markīza Badr.
- Maḡdasī, Moṡahīr b. Ṭāḡīr (1374 Š.), *Āfarīnīš va Tārīḳ*, Translated by Moḳammadrezā Šafī'ī Kadkanī, Vol. 2, Tehran: Āḡāh. [In Persian]
- Mas'udī, 'Alī b. al-ḡosseīn (1409), *Morūj al-Daḡab va Ma'ādīn al-ḡavāḡīr*, Edited by

- As'ad Dāgīr, Vols. 2-3, Qom: Dār al-Hiḡra.
- Najafīān Razavī, Leilā (Spring 1391 Š.), “Vākāvī-ye Dalāyila Himāyat, Hamrāhī va Hamgirāī-ye Fikrī-ye Ashāb-e Maḡāhib-e Eslāmī-ye Zidīyya, Mo'tazila va Morja'a bā Naḡostīn Qīāmāh-ye Sādāt-e Ḥasanī tā Sāl-e 145 Hijrī”, *Moḡāli 'āt-e Tārīk-e Farhangī*, 3, No. 11, pp. 97-124. [In Persian]
 - Qodsīpūr, Sayyed Ḥosseīn (1391 Š.), *Farāyan-d Tahlīl-e Silsilamarātibī*, Tehran: Entišārāt-e jahād-e Dānišgāhī-ye Dānišgāh-e Šan'atī-ye Amīr Kabīr. [In Persian]
 - Ṭabarī, Moḡammad b. jarīr (1408), *Tārīk al-Ṭabarī*, Vols. 4-7, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīyya.
 - Valavī, 'Alī Moḡammad (1380 Š.), *Dīānat va Sīāsat dar Qorūn-e Naḡostīn-e Eslāmī*, Tehran: Dāišgāh-e Alzahrā. [In Persian]
 - Yaḡūbī, Ibn Vāziḡ (1413 Š.), *Tārīk-e Yaḡūbī*, Edited by 'Abulamīr Mohanā, Vol. 2, Beirut: Moasisa al-'Elmī lilmaṭbū'āt.

Books in English

- Bryman, Alan (1992), *Charisma and Leadership in Organization*, London: Sage Publications.
- Weber, Max (2019), *Economy and Society: A New Translation*, Edited and translated by Keith Tribe, Harvard University Press.



Hierarchical Analysis of the Failure Factors of the Nafs Zakieh Movement¹

Hoda Shabanpour²
Mohammad Reza Barani³

Received: 12/010/2019

Accept: 23/07/2020

Abstract

After the Abbasids come to power, they faced the challenge of divergence of Alavids, Shi'as, and social legitimacy, among which The Nafs Zakie's Movement was the most important with the widespread social and political reflection amid people, although it did not institutionalize and got failed.

In this essay, for evaluating the rate of the impact of each of the social and political factors and comparing the library data, indicators of these factors were identified, and a quantitative method (AHP) was used in four steps to hierarchically analyze The Nafs Zakie's Movement to determine the social and political factors of its failure. The findings show that although this movement was emerged because of the social and political factors in its beginning, and the society became ready to accept the charismatic leadership of Mohammad, but on one hand the social challenge which he faced, made him far away from the society, and on the other hand Caliph's plans pave the ground to loss of his charismatic position. So in the assessment of The Nafs Zakie's Movement's failure, social factors exceed the political ones.

Keywords: Nafs Zakie, Political factors, Social factors, Hierarchical analyses, Quantitative method (AHP)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. DOI: 10.22051/HII.2020.27924.2101

2. PhD Candidate in History of Islam, Al-Zahra University, hodashaabanpour@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of History, (Corresponding Author). Al-Zahra University. m.barani@alzahra.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493